



Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

Qualitative analysis of Ideology Coordinates in Dr. Ali Shariati's Intellectual System Based on Arendt's Perspective

Hossein Saberdamirchi¹

Doi:10.22034/fademo.2024.469635.1051

Abstract

The influential political philosopher Hannah Arendt offers an innovative and novel definition of the totalitarian elements that make up «ideology» and their use by dominant movements and specifically totalitarian ones. According to some intellectuals, the ability to build an ideological system from the Islamic religion, especially the Shia religion, was the engine of the popular movement in the 1957 Islamic Revolution. In the meantime, Dr. Ali Shariati has played a decisive role in ideologicalizing religion and building an ideological system from the Shiite religion. The main problem of the present project is to examine the elements of totalitarian ideology and movement in Hannah Arendt's book *The Totalitarian System*, and examine the extent of its conformity and non-conformity with the issue of ideologizing religion in Shariati's intellectual system. In this research, the comparative-analytical method was used to discover the points of commonality and difference between the two researchers. In the moment of political practice, Shariati's texts call for a dual and conflicting position from the social point of authorship and the point of political application.

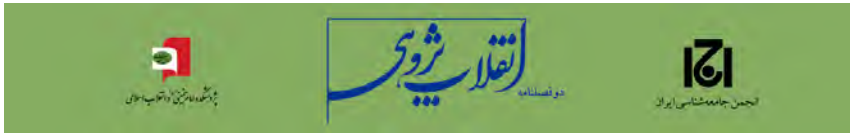
Keywords: Ideology, shia religion, popular movement, moment of establishment, political application

1. PhD in Sociology, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran, h.saber91@gmail.com

Received: 2024/05/22

Approved: 2024/07/10

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>



واکاوی کیفی مختصات ایدئولوژی در دستگاه فکری علی شریعتی بر اساس چشم‌انداز هانا آرنت

حسین صابر دمیرچی^۱

Doi:10.22034/FADEMO.2024.469635.1051

چکیده: هانا آرنت تعریفی نوآورانه و بدیع از عناصر توتالیتر تشکیل دهنده «ایدئولوژی» و کاربرد آن‌ها در جنبش‌های سلطه‌گر و به‌طور ویژه توتالیتر ارائه می‌دهد. می‌توان گفت پروبلماتیک و ایدئولوژیک شدن عناصری از فرهنگ دینی، نقشی مهم و پیچیده در فراخواندن جامعه ایرانی به میدان انقلاب مردمی - اسلامی ۷۵۳۱ داشته است. در این میان علی شریعتی در ساخت دستگاه ایدئولوژیک از مذهب شیعه جایگاهی تعیین‌کننده داشته است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با بررسی عناصر ایدئولوژی و جنبش توتالیتر در کتاب سیستم توتالیتر هانا آرنت، میزان همخوانی و ناهمخوانی آن را با مختصات ایدئولوژی و پراتیک احتمالی آن در دستگاه فکری شریعتی بررسی کنیم؟ در این پژوهش از روش مقایسه تحلیلی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ایدئولوژی ظاهر شده در پروژه فکری شریعتی از منظر عناصر ایدئولوژی و پراتیک احتمالی ایده با برداشت آرنتی از ایدئولوژی توتالیتر همخوانی دارد. همچنین نوعی ناهمخوانی مشروط را در لحظه استقرار بیکره سیاسی و کیفیت مداخله ایدئولوژیک در جزئیات زندگی عمومی می‌توان فهم کرد. یافته دیگر این است که دستگاه فکری شریعتی در لحظه پراتیک سیاسی تاریخی، سوژه دوگانه و متناقضی را از نظر اجتماعی تألیف و نظر کاربست سیاسی فرامی‌خواند.

کلیدواژه‌ها: ایدئولوژی، مذهب شیعه، جنبش مردمی، لحظه تأسیس، تألیف و کاربست سیاسی.

۱. دکترای جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. h.saber91@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ خود نشان از تلاطم و پویایی جامعه ایرانی برای پاسخ‌گویی به مسئله ماهیت قدرت و جایگاه مردم به‌مثابه سوژه فعال و آگاه سیاسی در تاریخ یک‌صد ساله اخیر است (احمدیان و اسلامی، ۱۳۹۲). از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، توسعه سیاسی را می‌توان در پرتو مسئله قدرت یا به تعبیر ساده‌تر توزیع قدرت^۱ در میان نیروهای اجتماعی مورد توجه قرار داد. در ایران بعد از انقلاب مشروطه، به‌رغم مقید شدن ظاهری قدرت به قانون، ساخت دولتی اقتدارطلب پدید آمد. دموکراتیزاسیون و به تبع آن توسعه سیاسی در ایران در یک‌صد سال گذشته، با یک مانع اصلی به نام تمایل دولت برای بازتولید مدار بسته قدرت مواجه بوده است (بشیریه ۱۳۹۴، ص. ۱۰۴). در فرایند تکوین ساخت قدرت سیاسی یا همان مدار بسته قدرت، گروهی از نیروهای اجتماعی به حاشیه رانده شده و مدار دومی از قدرت را تشکیل داده‌اند که در این نوشتار از آن به مدار تغییر در ایران یاد می‌شود. از همین رو دولت ایرانی همواره با حاشیه خود، یعنی گروه‌ها و افراد اجتماعی حاشیه‌نشین شده همراه بوده است و کنترل این حاشیه یکی از دغدغه‌های اصلی دولت برای حفظ نظام سیاسی بوده است. این گروه‌های حاشیه‌نشین نیز، در کمین نشسته و در انتظار ظهور تضادهای درونی دولت و تضعیف کنترل آن بر منابع قدرت لحظه‌شماری می‌کردند (قهرمان‌پور، ۱۳۹۲). در این میان روشنفکران بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی مورد غضب دولت‌ها قرار می‌گرفتند؛ زیرا یکی از اصلی‌ترین گروه‌های مخالف تمرکز انحصاری قدرت در دولت بودند (بشیریه، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۱).

این فرض را می‌توان جدی گرفت که اسلامی که امروز آن قدر در مورد آن سخن به میان آورده می‌شود میان ایدئولوژی مدرن و الهیات سنتی در نوسان است. از نظر کاستوریادیس انگاره اجتماعی مدرنیته بر یک اصل آنتی‌نومیک استوار است: از یک طرف طرح «استقلال و خودمختاری سیاسی» انسان‌ها و جوامع و از طرف دیگر آنچه او «جوهر کاپیتالیسم» می‌خواند که همانا «گسترش نامحدود استیلاي عقلانی بر انسان‌ها و چیزها» است (Castoriadis, 1986, p.76). ایدئولوژی در نگاه او مربوط به همین ذهنیت تکنیکی مدرن است و نمی‌تواند در جوامع «اسطوره‌ای» یا جوامع «دینی» به وجود آید؛ اما در روایتی دیگر بحث بر سر این است که ایدئولوژی الزامی ندارد که تنها در جوامع مدرن کاپیتالیست غربی یا به عرصه وجود بگذارد. ایدئولوژی می‌تواند در جوامعی که در حال گذار از سنت به مدرنیته هستند نیز

۲۰۰

1. Power distribution

پدید آید (نیک پی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۰ به نقل از کاستوریادیس، ۱۹۸۶).

در این مسئله نمی‌توان شک داشت که فراخواندن ایدئولوژیک مفاهیم دینی و مدرن به وسیله علی شریعتی گسترده‌ترین تأثیر را در ذهنیت سیاسی جوانان دههٔ چهل و پنجاه گذاشته است. شریعتی علاوه بر اینکه معتقد بود اسلام متضمن یک ایدئولوژی است بر این باور بود که این ایدئولوژی برتر از ایدئولوژی‌های دیگر نیز هست و یک وجه امتیاز آن نسبت به سایر ایدئولوژی، اعتقاد به وجود خداوند در این ایدئولوژی است... اما شریعتی در جاهای مختلف روشن می‌کند که اسلام صاحب جنبه‌ای ایدئولوژیک است. در واقع او با کشیدن مرز بین دو نوع اسلام، حساب خود را از محافظه‌کاران مذهبی جدا می‌کند (قریشی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۷).

طرح را می‌توان این گونه پیش برد که متفکرین پسا توتالیترسیستم در غرب برای مواجهه و نقد سیستم توتالیتر، نگاه مضمون و منفی به ایدئولوژی و جنبش‌های ایدئولوژیک منتهی به سیستم تمامیت‌گرای توتالیتر را در دستور کار خود قرار دادند. به عبارت دیگر، ایدئولوژی به‌عنوان ایدئال‌های تحریف شده و گزینش سیستم اجتماعی مطرح گردید که ارزیابی ساده‌ای از واقعیت ارائه می‌دهد.

هانا آرنست فیلسوف و نظریه‌پرداز سیاسی چند برگ از کتاب پرآوازه و بنیادین خود به نام سیستم توتالیتر را به پروبلماتیک «ایدئولوژی» اختصاص داده است. او، به دیدهٔ ما، در زمان تاریخی نگارش این اثر، یعنی در نیمهٔ سدهٔ بیستم، تعریفی نوآورانه و بدیع از عناصر توتالیتر تشکیل دهندهٔ «ایدئولوژی» و کاربرد آن‌ها به وسیلهٔ جنبش‌های سلطه‌گر و به‌طور ویژه توتالیتر ارائه می‌دهد (وثیق، ۱۳۹۷، ص. ۱). بنا بر بازشناسی هانا آرنست، اجزای توتالیتر هر ایدئولوژی را می‌توان در سه شاخص فرموله کرد: «۱. ادعای توضیح تام و تمام تاریخ؛ ۲. خلاص کردن تفکر از هرگونه میانداری آزمون، واقعیت و رخداد‌های واقع شده؛ ۳. بازتولید مداوم تفکر خویش با حرکت از انگاره‌هایی فرضی که به‌جای اصول بدیهی گرفته می‌شوند» (وثیق، ۱۳۹۷، ص. ۵). هدف آرنست در این بخش، نه ارائه تبیین و تعریفی از «ایدئولوژی» از دیدگاه خود، بلکه نشان دادن این مهم است که چگونه «ایدئولوژی»، با وجود تعاریف گوناگون آن، می‌تواند به خدمت جنبش توتالیتر درآید، به‌طور مشخص از آن لحظه که سیستم توتالیتر قادر می‌شود عناصر سازندهٔ ایدئولوژی را که مستعد برای سلطه‌گری می‌باشند به تصاحب خود درآورد (وثیق، ۱۳۹۷، ص. ۲).

در مطالعهٔ تاریخ معاصر ایران، سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ را می‌توان مرحله فرایند صورت‌بندی تئوریک وضعیت ایدئال انقلابی دانست. شناخت کیفیت و عناصر سازندهٔ دستگاه فکری

روشنفکران میدان سیاسی این برهه تاریخی ایران - که به صورت مستقیم و یا مستقیم در شکل‌گیری گفتمان انقلاب نقش داشته‌اند- نیازمند مطالعه‌ای جدی است. بی‌شک هر شخصیت اندیشمند یا اهل فکری از تحولات فکری زمانه خویش تأثیر می‌پذیرد و بر پایه این تأثیرپذیری‌ها نظریات خود را در جامعه تئوریزه و مطرح می‌کند. علی شریعتی نیز به عنوان یکی از چهره‌های برجسته تأثیرگذار این جریان، نقش بارزی را در جامعه سیاسی ایفا کرد (تاجیک، ۱۳۹۴، ص. ۸۸).

این نکته را باید به خاطر داشت که در واقع کار شریعتی بازیگری در عرصه تحریر ایدئولوژی است و کار آرت تماشاگری، توصیف مختصات نظری و تحلیل پیامدهای تاریخی و سیاسی ایدئولوژی‌های عینیت یافته در پیکره جنبش‌ها و انقلاب‌های سیاسی است. از این رو مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با مبنا قرار دادن رهیافت هانا آرت در بحث ایدئولوژی و جنبش‌های توتالیتر، پروژه سیاسی شریعتی در ایدئولوژیک کردن دین مورد واکاوی قرار گیرد. با بررسی عناصر ساختاری ایدئولوژی - و تا حد ممکن جنبش توتالیتر- در کتاب سیستم توتالیتر، میزان سازگاری آن با پیکربندی ایدئولوژی و کاربست سیاسی آن در دستگاه فکری شریعتی بیان شود.

پیشینه تحقیق

در این حوزه می‌توان به برخی کارهای اساسی صورت گرفته اشاره کرد. علی‌رضا علوی تبار در پژوهشی با عنوان «دین، ایدئولوژی و تعبیر ایدئولوژیک از دین» (۱۳۷۱) امکان و مطلوبیت تعبیر ایدئولوژیک از دین را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی با توجه به تعریفی که از دین، ایدئولوژی و دین ایدئولوژیک ارائه می‌دهد به این نتیجه می‌رسد که زندگی اجتماعی بدون رقابت و عمل سیاسی بدون ایدئولوژی ممکن نیست. در نهایت وی به یک پارادوکس می‌رسد و نتیجه می‌گیرد که تفسیر و تعبیر ایدئولوژیک از دین غیرقابل قبول است؛ اما گریزی هم از آن نیست.

عباس زاده در پژوهشی با عنوان «تأثیر ترمینولوژی شریعتی بر رادیکالیسم شیعی در تاریخ معاصر ایران» (۱۳۹۶) با الگوی تحلیلی زبان و گفتمان به بررسی مسئله مورد نظر خود می‌پردازد. نتایجی که محقق می‌گیرد نشان می‌دهد که ترمینولوژی مطرح شده از سوی شریعتی و ارتباط آن با رادیکالیسم شیعی در دهه چهل و پنجاه جهت بسترسازی برای تکوین و تسریع در ظهور پدیده رادیکالیسم شیعی در انقلاب اسلامی ایران مؤثر است.

نیک‌پی در بحثی با عنوان «ایدئولوژی، دین و انقلاب اسلامی» (۱۳۷۸) این پرسش را طرح

می‌کند که آیا توسعه و گسترش نگرش‌های ایدئولوژیک به دین در مقابل روند مدرنیزاسیون جامعه قرار گرفته و یا برعکس نتیجه منطقی این مدرنیزاسیون است؟ نویسنده پس از بررسی مختصر مفاهیم اصلی کار نتیجه می‌گیرد که در انقلاب ایران پدیده ایدئولوژیک کردن دین نقش مهمی در روند سکولاریزه کردن جامعه داشته است.

مبانی نظری پژوهش

بر اساس دستگاه تحلیل پی‌یر آنسار، پایه‌های سازنده «انگاره اجتماعی» سه عنصر اساطیر، دین و ایدئولوژی‌های سیاسی هستند (نیک‌پی، ۱۳۷۸، ص. ۳۵۱ به نقل از Ansart, 1974). کاسیرر فیلسوف آلمانی معتقد است: اسطوره‌های جدید سیاسی آفرینش‌های مصنوعی است که افراد باهوش آن را می‌سازند. آن‌ها فهمیده‌اند که اسطوره با همان روش‌هایی ساخته می‌شود که ابزار جنگ مدرن مانند تیربار و هواپیما وجود دارد (نیک‌پی، ۱۳۷۸، ص. ۳۵۲ به نقل از کاسیرر ۱۳۹۴، ص. ۳۶۵). می‌توان این برداشت تهورآمیز را داشت که دلیل ظهور ایدئولوژی دینی به وسیله متفکران دینی، نوعی تلاش برای ثابت کردن حقانیت معرفت‌شناختی خود، آن‌هم در زمینه معرفت‌شناختی غرب مدرن بوده است. به این معنا که با مسئله‌مند کردن مفاهیم اسطوره‌ای و بومی خود سعی داشتند ثابت کنند که اساطیر بومی خود مانند بسیاری از ایده‌های مدرن کارآیی دارند.

رفرمیسم دینی معاصر در کشورهای مسلمان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. رفرمیسم دینی فقهی - سیاسی؛ ۲. رفرمیسم دینی ایدئولوژیک - سیاسی. رفرمیسم دینی فقهی - سیاسی اصل اساسی اسلامی سازی جامعه و نهادهای اصلی آن از طریق تفسیر فقهی - دینی از پراتیک‌های اجتماعی خرد و کلان و اجرای قوانین دینی بوده است. تراکم یافتگی مادی این تلاش‌تئوریک را می‌توان در ایده تعیین یافتن حکومت اسلامی مشاهده کرد. در رفرمیسم دینی ایدئولوژیک - سیاسی بر قرآن، سنت پیامبر و امامان و... تأکید می‌شود؛ ولی مواضعش شبه سکولار و غیر فقهی است در واقع در این خوانش جدید بیشتر ضرورت سیاسی و اجتماعی است که متفکر را به سمت ارجاع به منابع مشروعیت می‌کشاند و نه واجبیت دینی مسئله، بلکه یک ضرورت سیاسی - ایدئولوژیک است (نیک‌پی، ۱۳۷۸، صص. ۳۵۴ - ۳۵۲).

علی شریعتی یکی از اصلی‌ترین حاملان و نمایندگان فکری رفرمیسم دینی ایدئولوژیک است. شاید بتوان گفت که او عمیق‌ترین تأثیر را در پروبلماتیک شدن مقوله دین در ذهنیت سیاسی نسل جوان قبل از انقلاب داشت. او در ایدئولوژیک کردن دین نقش مهمی ایفا کرد

و آن را به شکل یک مکتب که عبارت از جهان‌بینی و ایدئولوژی است، درآورد (نیک‌پی)، ۱۳۷۸، ص. ۳۵۸).

به نظر برخی از مفسرین معاصر اندیشه‌های شریعتی برخلاف بسیاری از متفکران دینی و غیردینی، بسیار نظام‌مند و در چهارچوب طرح و نقشه‌ای دقیق است. این طرح معطوف به مشخص کردن ابعاد مختلف ایدئولوژی دینی است. در واقع شریعتی دریافته است که اسلام بُعدی ایدئولوژیک دارد و این بُعد ایدئولوژیک مهم‌ترین بُعد مذهب نیز هست و این البته بدان معنا نیست که اسلام غیر از ایدئولوژی چیز دیگری نیست (قریشی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۶). خوانش انتقادی شریعتی از حکومت دینی و مخالفت او با تفسیر سنتی و فقهی از جامعه سیاسی متأثر از چیزی است که برخی آن را پروتستان‌تیسیم اسلامی موجود در لایه‌های پنهان شریعتی عنوان می‌کنند. شریعتی در فکر برقراری یک حکومت و جامعه ایدئولوژیک و مخالف حکومت دینی بود. او دین را ایدئولوژیک کرد و امر سیاسی و دینی را یکی شمرد؛ ولی نماد سیاسی یا حکومت را لائیسیم (شبه سکولار) کرد. بدین مفهوم که اصلاً به دنبال این نبود که تمام مشروعیت حکومت را بر مبنای قوانین الهی یا منابع فرا انسانی و یا فرا اجتماعی قرار دهد. او در فکر جایگزین کردن روشنفکران دینی به جای روحانیون بود (نیک‌پی ۱۳۸۹، صص. ۳۵۹-۳۵۸).

در عرصهٔ بازشناسی حکومت‌های توتالیتر می‌توان به نقش محوری ایدئولوژی رجوع کرد (سروش، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۳). هانا آرنست جنبش‌های توتالیتر را جنبش‌های هوادار و نمایندهٔ یک آموزهٔ سلطه‌گرایانه، مداخله‌گرا در تخیلات زندگی توده و مذهبی می‌داند که اعضای آن‌ها معتقدند برای درک این آموزه از بصیرت ویژه‌ای برخوردارند (نعیمی شیشوان، ۱۳۹۱). «درونی شدن» یا «نهادینه شدن» ایدئولوژی، یکی از مهمترین سطوح پیکربندی جنبش‌ها و نظام‌های ایدئولوژیک به حساب می‌آید؛ و منظور از این فرایند هم حکم عناصر و سیستم اندیشه ورزی حزبی-ایدئولوژیک در کنش‌های ذهنی تخیلی و کردارهای فکری و عملی کنشگران می‌باشد. به این معنا که مرز حائل و تفکیک کننده میان سوژه و حزب از میان می‌رود و فرد به‌طور کامل درون میدان ایدئولوژی محاط می‌شود. این ایدئولوژی برای خود رسالتی تاریخی قائل است و با مغز شویی و تبلیغ، چنین رسالتی را به ملکهٔ ذهن پیروان و فرمان‌بران «پیشوا» و «رهبر» تبدیل می‌سازد (مرادی، ۱۳۸۸).

1. Institutionalization

روش تحقیق

مقایسه جوهر و قلب همه تلاش‌هایی است که در جهت آزمون مدعاهای تئوریک انجام می‌پذیرد. روش مقایسه‌ای با مورد‌های اندکی که محقق به‌دقت انتخاب می‌کند و با استفاده از سطح میانه انتزاع مفهومی، دست به تحلیل می‌زند. مطالعه‌ای که از این روش استفاده می‌شود بیشتر ژرفانگر است؛ زیرا توجه و تأکیدشان به‌طور عمده روی ویژگی‌های خاص مورد‌هاست. واحد تحلیل، یک یا چند مورد محدود آن‌هم به‌عنوان کلیت‌هایی مجزا و متمایز است؛ و توجه اصلی بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان مورد‌ها به‌عنوان کل است (طالبان، ۱۳۹۳، ص. ۵۵). در این پژوهش با توجه به نوع تحقیق که تحلیلی-توصیفی است، شرایط اقتضا می‌کند که از روش مقایسه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای بهره‌گرفت.

عملی کردن روش: به این منظور ابتدا با مطالعه متون موردنظر آرنت به تحلیل و پیکربندی ابعاد و استخراج مؤلفه‌های ایدئولوژی تمامیت‌خواه و جنبش اجتماعی موازی آن پرداخته شده است. سپس متون و آثار شریعتی با توجه به مؤلفه‌های مورد اشاره آرنت به‌عنوان یک کل بازسازی شده است؛ و بعد مرحله اصلی فرامی‌رسد. در این مرحله، محقق به استخراج عناصر ایدئولوژی و کیفیت روابط درونی آن و کاربست سیاسی آن در ساخت جامعه ایدئال، در متون شریعتی مبادرت می‌کند در مرحله نهایی - با الهام از خوانش آلتوسر از رهیافت پروبلماتیک متن و سوژه ایدئولوژیک فراخوانده شده در پروبلماتیک نظریه، دستگاه تحلیلی شریعتی را از نظر اجتماعی تألیف و نظر نیروی اجتماعی کاربست ایده موردبررسی، تمایز گذاری قرار داده است. مهم‌ترین سطوح و محورهای مستخرج از بحث آرنت عبارتند از:

جدول شماره ۱: محورهای ایدئولوژی توتالیتار در دستگاه نظری هانا آرنت

ایدئولوژی، داعیه تبیین تمام تاریخ یعنی گذشته، حال و آینده جهان را دارد.	محور اول: منطق تبیین
تفکر ایدئولوژیک خود را از هرگونه تجربه‌ای مستقل می‌داند. اندیشه را با روش‌های برهانی از قید تجربه آزاد می‌سازد.	محور دوم: ظرفیت مواجهه با واقعیت
تفکر ایدئولوژیک واقعیات را در یک نظام منطقی و ذهنی سامان می‌دهد و برای نیل به این مقصود همه‌چیز را از یک قضیه اصلی بدیهی و مسلم آغاز می‌کند (آرنت، ۱۳۶۳، ص. ۳۲۷).	محور سوم: شروع از بدیهیات مفروض

جدول شماره ۲: اصول و سطوح بنیادین ایدئولوژی رهنمون جنبش توتالیتر از منظر آرنه

<p>- ذره‌ای (اتمیزه) شدن توده‌ای^۱ است که از ریشه خود کنده و از طبقه خود رانده. توده‌هایی که به انسان‌هایی فاناتیک تبدیل شده‌اند و زیر فشار اقتصادی و بیکاری به ستوه آمده‌اند. اینان اکنون خارج از احزاب سنتی بسیج می‌شوند، تحت القای دکتربین‌هایی قرار می‌گیرند، سازمان‌دهی و متشکل می‌شوند و آلت دست رهبری یا پیشوایی توتالیتر قرار می‌گیرند ... این همانی است که پایه‌های سیستم توتالیتر را تشکیل می‌دهد....</p>	<p>اصل اول</p>
<p>وجود رهبری قدر قدرت، برتر و بری از خطاست که می‌تواند حزب واحد (حزب - دولت) یا رهبر کاریزماتیک (مرجع فره‌مند) باشد. اتوریته‌ای که با قرار دادن خود در رأس هرم سیستم، همانند پیامبر^(ص)، حقیقت مطلق و تنها راه ممکن و قابل اطمینان به‌سوی رستگاری را برای انسان‌ها آشکار می‌سازد.</p>	<p>اصل دوم</p>
<p>- وجود ایدئولوژی‌ای دولتی، توتالیتر، همه‌جا حاضر و بسیج‌کننده توده است که پیرامون واقعیت‌هایی دروغین و کاذب جفت‌وجور می‌شود که شاخص اصلی‌اش نیز خصلت مسیح‌باورانه (نجات بخشانه) آن است.</p>	<p>اصل سوم</p>
<p>- به کار گرفتن قهر رادیکال علیه جمعیت، اقلیت‌های مختلف و هر مخالف واقعی یا بالقوه است. ترور دولتی و انتظامی که پلیس مخفی، میلیشای شبه‌نظامی و غیره آن را اعمال می‌کردند....</p>	<p>اصل چهارم</p>
<p>اعمال قدرت کنترل حکومتی بر تمام زمینه‌های زندگی اجتماعی و انسانی، خصوصی و عمومی است. نقض کامل حقوق بشر، نابودی آزادی‌ها، پلورالیسم و جامعه مدنی.</p>	<p>اصل پنجم</p>
<p>جنگ برای سلطه کامل هم در داخل کشور و هم در خارج (وثیق، ۱۳۹۷، ص ۱).</p>	<p>اصل ششم</p>

۴. تفسیر

بازسازی محورهای ایدئولوژی در دستگاه فکری شریعتی بر اساس دستگاه نظری آرنست

جدول شماره ۲: بازسازی مؤلفه‌های ایدئولوژی در دستگاه فکری شریعتی
با منطق چشم‌انداز آرنستی

مؤلفه‌های سه‌گانه آرنستی ایدئولوژی	واحدهای فشرده معنایی ایدئولوژی در دستگاه شریعتی	برآیند تحلیل تطبیق
۱. توضیح تام و تمام تاریخ و مسائل جامعه	- ایدئولوژی بینش و آگاهی ویژه‌ای است که انسان نسبت به خود، جایگاه طبقاتی، پایگاه اجتماعی، وضع ملی، تقدیر جهانی و تاریخی خود و گروه اجتماعی که بدان وابسته است دارد.	با خوانش بحث شریعتی از ماهیت فلسفه تاریخ و ویژگی اول ایدئولوژی مدرن از نگاه آرنست، متوجه هم‌خوانی و تطابق آن‌ها می‌شویم
۲. فرار از تجربه و آزمون و واقعیت‌سنجی	- ایدئولوژی محصول تاریخ نیست، اکتسابی هم نیست، بلکه اکتشافی است. - ایدئولوژی نه یک نظام معرفتی بسته و جزمی، بلکه نظام معرفتی انعطاف‌پذیر و باز - مرحله‌ای و دوره‌ای بودن ایدئولوژی است. - ایدئولوژی یعنی آگاهی نسبت به وضع موجود و حالت انتقادی نسبت به آن. - ایدئولوژی در یک تعریف عبارت است از: ایمان آگاهانه به اینکه چگونه باید باشد وضع موجود - ایدئولوژی، مرحله قضاوت درباره ارزش‌هاست... - ایدئولوژی مقدم بر فرهنگ و دستاوردهای اجتماعی و تجربی آن‌ها می‌داند اساس ایدئولوژی، ایمان به ایدئال و آرمان است. - ایدئولوژی تکنیکی است که انسان به کمک آن و به کمک شناخت «جبر تاریخ» جامعه را در استخدام خویش قرار می‌دهد.	با خوانش بحث شریعتی از ماهیت آزمون ناپذیری تجربی مقوله ایدئولوژی و ویژگی دوم ایدئولوژی مدرن از نگاه آرنست، متوجه انطباق مشروط می‌شویم.

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنایی ایدئولوژی در دستگاه شریعی	مؤلفه‌های سه‌گانه آرنتی ایدئولوژی
<p>با خوانش بحث شریعی از ماهیت استدلالی مقوله ایدئولوژی و ویژگی سوم ایدئولوژی مدرن از نگاه آرنت، متوجه همخوانی و تطابق آن‌ها می‌شویم</p>	<p>- شریعی با بدیهی پنداشتن گزاره‌های تنوریک فلسفه تاریخ- انسان‌شناسی مارکسیستی به تشریح دستگاه فکری خود ادامه می‌دهد. توحید غیر از معانی ساده‌اش، در اصل یک جهان‌بینی است.</p> <p>- تلقی همه جهان است به صورت یک وحدت... یعنی تلقی همه به صورت یک کل و یک اندام زنده شاعر و دارای یک اراده و خرد و احساس و هدف... .</p> <p>- هیچ نیروی دیگری را در مقابل وحدت- خداوند به رسمیت نمی‌شناسد.</p> <p>- جهان به گونه‌ای خلق شده است که تقابل و تضاد نیز در عالم واقعیت به چشم می‌خورد.</p> <p>- در جهان واقعی ما شیطان نیز حضور و قدرت زیادی دارد، البته قدرت او اصالت ندارد.</p> <p>- بدیهی است که در این وضعیت بین نیروهای شیطانی و نیروهای الهی درگیری و تضاد به وجود می‌آید و بر این تضادها منطق دیالکتیک حاکم است. بر اساس پذیرش فرض ماتریالیسم تاریخی مارکسیستی... در امت «زیربنا اقتصاد است» (من لا معاش له لا معادله- کسی که زندگی مادی ندارد زندگی معنوی ندارد). بر اساس فرض جهان‌بینی مارکسیستی تصور از آینده مطلوب دارد. نظام اجتماعی بر «قسط و عدل» است و مالکیت مردم، احیای نظام هابیلی، جامعه برابری و در نتیجه برادری انسانی، جامعه بی‌طبقه، این «اصل» است؛ اما... «هدف» نیست.</p>	<p>۳. حرکت از انگاره‌هایی که اصول بدیهی پنداشته می‌شود</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنایی ایدئولوژی در دستگاه شریعتی	مؤلفه‌های سه‌گانه آرنتی ایدئولوژی
	<p>-تحقق تقدیر الهی انسان در فلسفه آفرینش. پذیرش فرض حرکت دیالکتیکی نیروها در تاریخ و درون انسان- از قرآن چنین برمی آید که انسان یک اراده آزاد و مسئول است در پایگاهی میانه دو قطب متضاد «خدا- شیطان». اجتماع این دو تضاد و جمع این دو «تز» و «آنتی تز» که هم در سرشت اوست و هم در سرگذشت او- «حرکت» را در او ایجاد کرده و یک حرکت دیالکتیکی جبری تکاملی را و مبارزه مداوم میان دو قطب متناقض در «ذات» و «زندگی» انسان شده است. در قسمت فلسفه تاریخ نیز شریعتی فرضیات تئوریک اندیشه مارکسیسم را اصولی بدیهی انگاشته است. مجموع سخن شریعتی در این بحث این است که در تاریخ تحت تأثیر وضعیت موجود در زیربنای اقتصادی تضاد دیالکتیکی بین هابیل در مرحله تولید دامدار و شکار از یک طرف و قابیل در مرحله تولید کشاورز در طرف دیگر که نماد دو جناح است وجود داشته است.</p> <p>- به گمان شریعتی پرچم قابیل نسل به نسل به دست طبقات حاکم افتاده است و در طرف دیگر وارثان هابیل مردم محکومی هستند که برای عدالت و آزادی و ایمان راستین مبارزه می کنند. این جنگ تا آخرالزمان ادامه خواهد یافت و سرنوشت نهایی این تضاد پیروزی عدالت، قسط و حقیقت توحیدی هابیلیان خواهد بود (شریعتی، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۸، ۱۳۷۴، ۱۳۷۴ ب، ۱۳۷۵؛ قریشی، ۱۳۹۰).</p>	

جدول شماره ۳. تحلیل مقایسه‌ای عناصر و پراتیک (احتمالی) جنبش ایدئولوژیک
مستخرج از دستگاه فکری شریعتی و جنبش‌های توتالیتر عینیت یافته آرنتی

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی متمیزه شدن جامعه ایدئولوژی توتالیتر از نگاه آرتنت متوجه عدم سازگاری و ناهماهنگی آن‌ها در پراتیک احتمالی می‌شویم.</p>	<p>- ایدئولوژی ادامه‌گریزه در انسان - انسان موجودی است که از هدایت‌گری سرباز می‌زند و پارا از مرز حیات طبیعی فراتر می‌نهد. - انسان تنها موجودی است که باید بار سنگین مسئولیت و هدایت و تکامل و پرورش خود را بر دوش بگیرد. - هدایت نیز چیزی جز شناخت و پذیرش ایدئولوژی نیست. - مذهب به‌عنوان ایدئولوژی آنگاه تحقق پیدا می‌کند که افراد آن را آگاهانه انتخاب کنند. - کسی که مذهب را به‌عنوان یک ایدئولوژی در نظر می‌گیرد به نیازهای جامعه خود توجه دارد و برای تحقق ایدئال‌ها از آن‌ها استفاده می‌کند. - وظیفه روشنفکر تدوین یک سیمای کامل از ایدئولوژی اسلامی است. جوان باید «بداند که کجاست، جهتش چیست، مسئولیتش چیست، رابطه‌هایش با پدیده‌ها و واقعیت‌های زمان خودش چیست». - اگر طرح ایدئولوژی اسلامی پرداخته شود دیگر «منحط‌ترین و کثیف‌ترین اشرافیت با آنارشیت‌ترین حالات انقلابی» به اسم اسلام مطرح نمی‌شود.</p>	<p>شاخص اول (ذره‌ای و متمیزه شدن)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی متمیزه شدن جامعه ایدئولوژی توتالیتر از نگاه آرنت متوجه عدم سازگاری و ناهماهنگی آن‌ها در پراتیک احتمالی می‌شویم.</p>	<p>- جامعه ایدئال از منظر ایدئولوژی اسلامی را «امت» است.</p> <p>- امت از ریشه «ام» به معنی «راه» و «آهنگ» است.</p> <p>- بنابراین «امت» جامعه‌ای می‌شود که گروهی از افراد بشری که در یک ایمان و هدف مشترک‌اند، باهم همگام شده‌اند تا آهنگ رفتن کنند و برای نیل به هدف مشترک به راه افتند.</p> <p>- در امت، فلسفه سیاسی و شکل رژیم... مبتنی بر «اصالت رهبری» است (نه رهبر که فاشیسم است).</p> <p>- در ایدئولوژی اسلامی تلاش می‌شود تا امتی ساخته شود که انسان‌ها با اشتراک در هدف واحد و اطاعت از رهبری واحد به سوی ایدئال خویش حرکت کنند.</p> <p>- فرد انسانی وقتی عضو امت است که در برابر رهبری جامعه معتقد باشد و تسلیم، البته تسلیمی که خود آزادانه اختیار کرده است.</p> <p>- این روشنفکران هستند که باید توده‌ها را در انقلاب‌های دوگانه رهبری کنند- بخت مناسب روشنفکر ایرانی زندگی در جامعه‌ای است که فرهنگ مذهبی آن شیعه‌گری، ذاتاً انقلابی و بنابراین سازگار با شرایط انقلاب دوگانه است- روشنفکر با نجات جامعه عجین است. افیون جامعه دینی روحانیت سازگار و روشنفکران غرب‌زده و مقلد هستند.</p> <p>- فرد در امت دارای یک زندگی اعتقادی متعهد در برابر جامعه است و جامعه نیز متعهد به ایدئولوژی یا عقیده و ایدئولوژی نیز به تحقق ایدئال و نیل به هدف اطاعت از رهبر و تسلیم شدن به او شرط لازم برای تحقق یک جامعه ایدئال می‌داند البته نه کافی.</p>	<p>شاخص دوم (رهبر قدر قدرت)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>رویکرد انتقادآمیز به مدرنیته غربی و آموزه‌هایی چون لیبرال دموکراسی و حقوق بشر غربی از جمله مشخصات و ویژگی‌های قرائت ایدئولوژیک از دین است با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی ایدئولوژی دولتی در جنبش ایدئولوژیک توتالیتر از نگاه آرنست متوجه انطباق و هماهنگی آن‌ها در میدان پراتیک احتمالی می‌شویم.</p>	<p>- ایدئولوژی مقدم بر فرهنگ و دستاوردهای اجتماعی و تجربی آن‌ها و وجود رابطه معکوس میان آن‌ها. - ایدئولوژی به معنای مکتب است؛ زیرا فرهنگ بخشی از ایدئولوژی است. - پیروزی‌های اسلام به‌ویژه در جنگ‌ها (غزوات) مرهون ایمان و ایدئولوژی. - علت شکست‌های اسلام در دوران بعد، از ناحیه فرهنگ بود. - همچنین پیدایش حکومت‌های اسلامی مثل امویان، عباسیان و صفویان محصول اسلام فرهنگی است. - اسلام فرهنگی یک اسلام شبه سکولاریستی است که سعی دارد با تفکیک وظایف و جدایی دو حوزه دین و سیاست، دین را از صحنه خارج نماید. - برای ما اسلام مجموعه سنت اجتماعی و فرهنگ عادت شده و دینی از نوع ادیان دیگر، چون یهود و مسیحیت و بودائی و هندوئی و ... نیست. - دین باید به‌مثابه راهنمای عمل و مرامنامه این دنیایی باشد. - دینی که به درد قبل از مرگ نخورد، به درد بعد از مرگ هم نخواهد خورد. - تبدیل اسلام از صورت یک فرهنگ به یک ایدئولوژی. - به نظر من، بهترین تعریف از مذهب این است که مذهب یک ایدئولوژی است.</p>	<p>شاخص سوم (ایدئولوژی دولتی)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>شریعتی ایدئولوژی را نه یک نظام معرفتی بسته و جزمی بلکه نظام معرفتی انعطاف‌پذیر و بازی تعریف می‌کند و معتقد به مرحله‌ای و دوره‌ای بودن ایدئولوژی است</p> <p>با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی کاربرد عملی قهر رادیکال در جنبش ایدئولوژیک توتالیتر از نگاه آرنست متوجه ناسازگاری مشروط آن‌ها در میدان پراتیک احتمالی برآمده از دستگاه فکری شریعتی می‌شویم.</p>	<p>- ایدئولوژی و روشنفکری لازم و ملزوم یکدیگرند.</p> <p>- ایدئولوژی مشخص‌کننده تیپ فکری یک روشنفکر است و کسی نباید بدون داشتن برجسب ایدئولوژی کار روشنفکری کند....</p> <p>- ایدئولوژی، نه یک سری قوانین دکماتیکی است که متأثر از شرایط خاص به وجود آمده باشد و نه یک اساسنامه حزبی که اگر مکان و زمانش تغییر یافت، رنگ و بوی خود را تغییر دهد.</p> <p>- ایدئولوژی بر اساس اصول کلی و جامع و آرمان‌های ثابت انسانی است</p> <p>- ایدئولوژی همانا جانشین تعهد فکری و علمی نیز نیست؛ چراکه این عوامل زمانی هستند و عصری</p> <p>- ایدئولوژی صف‌بندی و صف‌آرایی می‌کند، دوست و دشمن دارد و حدود و ثغور اجتماعی برای خود قائل است که اجازه دخالت و تجاوز دیگران را به آن نمی‌دهد.</p> <p>- انحراف یک انقلاب اجتماعی همین است که وقتی اول، انقلاب به وجود می‌آید بر اساس ایدئولوژی است، بعد انقلاب منحنی و منجمد می‌شود و به صورت فرهنگ و تمدن درمی‌آید.</p> <p>- نباید گذاشت یک انقلاب فکری تبدیل به یک تمدن و نظام علمی شود، بلکه باید همواره نظام علمی و تمدن را همچون ابزارهایی برای ایدئولوژی استخدام گردد.</p>	<p>شاخص چهارم (به کار گرفتن قهر رادیکال)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>ایدئولوژی، هم قلمروهای ادراکی و شناختی انسان را در برمی‌گیرد و هم قلمروهای پیشی و نگرشی انسان را و بر اساس این شناخت‌ها و ارزش‌هاست که در هر دوره، سیستم‌های خاص ایدئولوژیک ساخته می‌شود. با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی اعمال قدرت کنترل حکومتی بر حوزه عمومی و خصوصی افراد در جنبش ایدئولوژیک توتالیتر از نگاه آرنت متوجه ناسازگاری مشروط آن‌ها در میدان پراتیک احتمالی تاریخی می‌شویم.</p>	<p>- ایدئولوژی نباید به امور جزئی بپردازد؛ چون به صورت یک سلسله قوانین و مقررات قابل تغییر در خواهد آمد که به مرور محتوای خود را از دست خواهد داد.</p> <p>- ایدئولوژی باید مانند علم بر قوانین کلی و آرمان‌های ثابت انسانی استوار باشد و برای انطباق آن با واقعیات موجود باید روشنفکران به اندیشه بپردازند</p> <p>- ایدئولوژی هیچ‌گاه مسئولیت انتخاب و تکالیف را از دوش انسان ساقط نمی‌کند. برای مثال وقتی که اسلام اصل مبارزه با استضعاف را مطرح می‌سازد، این اصل در همه زمان‌ها جاری است.</p> <p>- ایدئولوژی در اسلام بر اساس تسلیمی است که فرد با آزادی و خودآگاهی، آن را می‌پذیرد.</p> <p>- آزادی جوهره و عنصر ضروری این نوع ایدئولوژی است و نه تنها تناقضی با این ایدئولوژی ندارد، بلکه اساساً شرط لازم آن است.</p>	<p>شاخص پنجم (اعمال قدرت کنترل حکومتی بر حوزه عمومی و خصوصی افراد)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>با خوانش تطبیقی ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی جنگ برای سلطه کامل در جنبش ایدئولوژیک توتالیتر از نگاه آرنت متوجه انطباق و هماهنگی آن‌ها در میدان پراتیک احتمالی و عینی تاریخی می‌شویم.</p>	<p>-تاریخ صحنه نبرد بین حق و باطل- هابیل و قابیل. - هابیلیان به حکم غریزه ایدئولوژیک و طبیعت همواره در موقعیت اعتراض و انقلابی قرار می‌گیرند. - تاریخ به مثابه روند کشمکش همیشگی میان محرومان و مثلث زور و زر و تزویر بوده است. - در قرآن، قارون سمبل قدرت اقتصادی حاکم، فرعون سمبل قدرت سیاسی حاکم و بلعم باعورا سمبل روحانیت رسمی حاکم است که تجلی سه گانه قابیل واحدند. - در برابر قطب قاییلی، قطب هابیلی قرار می‌گیرد که طبقه «مردم» (ناس) است. این دو در طول تاریخ همواره ضد هم هستند. - بالاخره تقابل و جنگ قطب‌های قاییلی و هابیلی نهایتاً به انقلاب جهانی و تسلط و پیروزی نهایی قطب هابیلی خواهد انجامید و جامعه آرمانی «امت» استقرار خواهد یافت.</p>	<p>شاخص ششم (جنگ برای سلطه کامل)</p>

نتیجه‌گیری

پروبلماتیک شدن امر دینی و ایدئولوژیک شدن دین در ایران یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین لحظات تاریخ سیاسی اجتماعی یک‌صد سال اخیر را تشکیل داده است. به گمان بعضی از روشنفکران توانایی ساخت دستگاهی ایدئولوژیک از دین اسلام و به‌خصوص مذهب شیعه موتور حرکت جنبش مردمی در اواخر حکومت پهلوی دوم و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بوده است. در این میان علی شریعتی همان‌گونه که حمید عنایت (۱۳۹۲) بیان کرده «مردمی‌ترین و تأثیرگذارترین متفکر معاصر در بین جوامع اسلامی» در ایدئولوژیک کردن دین و ساخت دستگاه ایدئولوژیک از دین نقشی تعیین‌کننده و مطلقاً تأثیرگذار داشته است. او با توانایی و استعداد نظام‌مند اندیشی خود از طریق بازاندیشی در عناصر و مواد خام دین اسلام و به‌خصوص مذهب شیعه یک دستگاه فکری منظم، طبقه‌بندی‌شده و با سازگاری درونی بالایی طراحی کرده است. همان‌گونه که یان کرایب (۱۳۹۷) نقل می‌کند لویی پیر آلتوسر (۱۹۶۹) در بحث شایستگی و توانایی تئوری اجتماعی، ملاک برتری یک تئوری اجتماعی بر تئوری‌های دیگر هم‌عصر و هم‌رشته خود را، کیفیت طبقه‌بندی مقولات و سازگاری منطقی درونی مقولات از یک طرف و توانایی طرح پرابلماتیک یک موضوع و پوشش تئوریک مسئله^۱ در سطح گسترده‌تر را از طرف دیگر می‌داند یک ملاک قابل‌اتکا به حساب آوریم؛ دستگاه ایدئولوژیک شریعتی این ویژگی‌ها را در تناسب با سایر متفکران عصر خود، به مناسب‌ترین شکل فراهم آورده است. شریعتی به‌گونه‌ای کاملاً سیستماتیک و ساختارمند درک خود از مکاتب بشری را در چهارچوب دستگاهی فکری با سازگاری درونی بالا و سطح و پوشش کلان مقولات تئوریزه کرده است. در دستگاه فکری او یک جهان‌بینی به‌عنوان نقطه شروع تئوریک وجود دارد که بر اساس آن طرز فکر این دستگاه در بخش‌های سه‌گانه جامعه‌شناختی، انسان‌شناسانه و فلسفه تاریخ مشخص می‌شود. او با تکیه بر همین جهان‌بینی و بخش‌های سه‌گانه، نظام ایدئولوژیک خود را تدوین می‌کند که این نظام ایدئولوژیک معطوف به تحقق انسان و جامعه ایدئال در عالم واقعیت است.

اندیشمندان غربی و ایرانی پس از انقلاب به تحلیل و نقد و ارزیابی نتایج پیش‌بینی‌نشده نامطلوب ایدئولوژیک شدن دین به‌وسیله بازاندیشان و اصلاح‌گرایان دین و در این میان شریعتی پرداخته‌اند؛ اما در این پژوهش برای تحلیل و ارزیابی واقع‌گرایانه اندیشه و نتایج پراتیک^۲

1. Theoretical coverage of the problem
2. Practical results

احتمالی دستگاه فکری شریعتی در حوزه سیاست و تمامیت‌گرایی قدرت دولتی به سراغ برداشت هانا آرنست از ویژگی‌های ایدئولوژی مدرن توتالیترا رفتیم.

با مطالعه ویژگی‌های توتالیترا ایدئولوژی مدرن و جنبش‌های توتالیترا مترتب بر آن در اندیشه هانا آرنست و انطباق آن با مختصات ایدئولوژی در دستگاه فکری شریعتی نکات ظریف و مهمی کشف شد. در ابتدا می‌توان این‌گونه توضیح داد که دستگاه ایدئولوژیک شریعتی با ویژگی‌های عنوان شده از سوی آرنست انطباق کلی دارد. در دستگاه فکری شریعتی، ایدئولوژی با سه ویژگی: الف) توضیح تمام مسائل تاریخ؛ ب) فرار از تجربه و آزمون بر اساس واقعیت؛ ج) حرکت استدلالی از انگاره‌هایی که اصول بدیهی انگاشته می‌شود؛ همراه است. اگرچه در ویژگی دوم شریعتی ایدئولوژی را مطابق با یافته‌های علمی هر عصر می‌داند و همچنین ایدئولوژی در نزد او نظام باز و منعطفی است که با مقتضیات غیر سازگار است؛ اما این توضیح فقط در تعریف‌های ابتدایی او از ایدئولوژی قرار می‌گیرد و نه بیش‌تر. درحالی‌که او در توضیح علت پیروزی نهضت‌های اجتماعی تاریخ، در تشریح وضعیت جامعه معاصر خود، در مسیریابی آینده احتمالی، در تقدم ایدئولوژی بر دستاوردهای فرهنگی هر عصر، در مشروط کردن اندیشمند به دستگاه ارزشی ایدئولوژی محور، مهم‌تر از همه در جبری تلقی کردن تاریخ و انطباق تاریخ با ایدئولوژی آن را غیر تجربی، غیر قابل آزمون و امر پیشینی می‌داند که تناظری ضروری با واقعیات تاریخی ندارد.

در مرحله دوم تحلیل سراغ شش ویژگی جنبش‌های توتالیترا آرنستی و انطباق آن با نتایج پراتیک احتمالی ایدئولوژیک شدن دین برای پیکره سیاسی می‌رویم. در اینجا به تبعیت از نظریه پردازان و فیلسوفان سیاسی نظیر عبدالکریم سروش ایدئولوژی‌ها را به دو نوع ایدئولوژی‌های انقلاب ساز و ایدئولوژی استقرار حکومت تقسیم می‌کنیم. شریعتی در دههٔ چهل و پنجاه، در نقطه اوج گفتمان چپ مارکسیستی انقلابی و مبارزه انقلابی نیروهای جامعه مدرنیزه شده پهلوی برای سرنگونی حکومت پهلوی به ساخت دستگاه فکری خود پرداخته است. هرچند در دستگاه فکری او هر دو نوع ایدئولوژی انقلابی (تأسیسی)^۱ و استقراری حضور دارد؛ اما بدون شک نوع انقلابی-تأسیسی در دستگاه فکری او حرف اصلی و تمام‌کننده او را می‌زند و از این زاویه می‌توان نوعی همخوانی توأم با خلاقیت گشودگی تئوریک در ویژگی‌های شمرده شده از سوی آرنست و دستگاه فکری شریعتی مشاهده کرد.

1. Establishment

برای شفافیت بیش‌تر باید گفت شریعتی در لحظات تأسیس-انقلابی در دستگاه فکری خود: اول) با ذره‌ای شدن و تمیزه شدن جامعه مخالف است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین کارکردهای ایدئولوژی از نظر شریعتی تشخیص موقعیت اجتماعی و طبقاتی افراد جامعه و بسیج و انسجام دادن به اندیشه و عمل جمعی است. دوم) با ایدئولوژی دینی موافق است، بر اساس برداشت خود از تاریخ سیاسی جنبش‌ها، نهضت‌ها و غزوات پیامبر(ص)، ایدئولوژی را با دولت هم‌ارز می‌داند؛ زیرا پیروزی در نهضت‌ها و غزوات را مدیون هم‌نشینی دولت و ایدئولوژی دینی می‌داند. سوم) ویژگی جنگ برای سلطه کامل در حوزه داخلی و خارج را بر اساس برداشت دینی و منجی باورانه‌اش از فلسفه تاریخ قبول دارد. به گمان شریعتی تاریخ صحنه جنگ میان نیروهای الهی (هابیلیان) و نیروهای شیطانی (قابیلیان) بوده و این نبرد به مرور و در طول جوامع گوناگون، خود را در نبرد میان مردم به‌مثابه طبقات محروم و طبقه حاکم با سه‌گانه (زر، زور و تزویر) انعکاس و تداوم داده است. شریعتی معتقد است همان‌گونه که قرآن بشارت می‌دهد این نبرد تا پیروزی نهایی و تسلط کامل نیروهای الهی بر نیروی شیطانی تداوم خواهد داشت.

در لحظات استقرار حکومت، دستگاه فکری شریعتی با ویژگی‌های جنبش‌های آرنتی قسمی ناسازگار است یا حداقل آنکه به‌گونه‌ای مشروط قابل همخوانی است... اول) با توصیف جامعه به‌عنوان امتی که تحت هدایت و سرپرستی رهبر و امام قرار دارند، ویژگی محوریت با رهبری قدر قدرت را می‌پذیرد. هرچند او با آوردن قید آگاهی و انتخاب در اطاعت از رهبر این پذیرش را مشروط می‌کند؛ اما به‌گونه‌ای ساختاری رابطه میان مردم و امام در اندیشه شریعتی بر اساس مدل امت است که در آن اطاعت، ایمان و تعهد به رهبری حرف اول را می‌زند. دوم) در زمینه اعمال قدرت کنترل حکومتی بر حوزه عمومی و خصوصی به نظر شریعتی هرچند ایدئولوژی صف‌بندی می‌کند و دوست و دشمن می‌سازد؛ اما او معتقد نیست که ایدئولوژی باید به جزئیات امور جامعه بپردازد. او ایدئولوژی را یک طرح و راهنمای کلان می‌بیند نه اساسنامه حزبی اجرائی؛ سوم) کاربرد قهر رادیکال شریعتی با توجه به اعتقادی که به آزادی و حق انتخاب در پذیرش ایدئولوژی دارد موافق کاربرد عملی قهر رادیکال علیه مخالفین نیست.

در مرحله نهایی ضروری است میان پراتیک احتمالی حاصل از دستگاه فکری ایدئولوژیک متفکری خاص و پراکسیس تاریخی عینیت یافته در واقعیت - در اینجا منظور انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷- تمایز قائل شویم. محقق - با الهام از خوانش لویی آلتوسر

۱۳۹۹) از پروبلماتیک متن و نیروی اجتماعی فراخوانده شده در متون مانیفستی - سوژه ایدئولوژیک فراخوانده شده در دستگاه تحلیلی شریعتی را از نظر اجتماعی تألیف و نظر نیروی اجتماعی کاربست ایده مورد بررسی، تمایز گذاری قرار داده است. می توان گفت شریعتی تلاش می کند به گونه ای نظام مند یک دستگاه ایدئولوژیک با مختصات و ساختار تئوریک مدرن طراحی کند. در حوزه نتایج احتمالی پراتیک در حوزه سیاست، در حالی که در لحظات تأسیس - انقلاب سازی دستگاه فکری او مطابقت زیادی با جنبش های مدرن تمامیت خواه آرنتی دارد؛ اما در لحظات استقرار جامعه سیاسی حاصل از پراتیک احتمالی مورد نظر او؛ هر چند به گونه ای ضمنی و کلی با جنبش های تمامیت خواه مدرن همخوانی دارد؛ ولی در عرصه عملیاتی شدن انطباق با مسئله مواجه می شود.

در لایه نهایی می توان از چشم انداز مانیفست - جایگاه درباره سوژه فراخوانده شده در متن - روایت ایدئولوژیک شریعتی سخن گفت. به بیان ساده متون شریعتی درخواستی است پرشور برای توسل به راه حل سیاسی ای که منادی آن است. در اینجا با کلیت - متنی سرو کار داریم که مسئله باز خیزش تمدن ایران اسلامی را فرامی خواند. این فراخواندن، پروبلماتیک ایدئولوژیک شدن دین - جامعه ایران را به منزله وظیفه تاریخی واضحی مطرح می کند؛ اما پرسشی که باقی می ماند این است که متون شریعتی چگونه این پروبلماتیک سیاسی و این سامانه تئوریک جدید را بسیج و سامان می دهد؟ در حقیقت شریعتی مسئله ای (ایدئولوژیک شدن دین به مثابه مکانیسم و راه حل دگرگون سازی همه جانبه جامعه ایرانی) را که وضعیت تاریخی - سیاسی ایران دهه چهل و پنجاه اقامه کرده را با زبانی سمبولیم و ساختارمند مطرح می کند و جایگاه نیروی را خلق و تعیین می کند که باید ایجاد شود تا این مسئله را حل کند. به این ترتیب این متون نوشتاری خود را در ایدئولوژی سیاسی که روشنفکران پسا استعماری و به ویژه خود شریعتی ترسیم کرده است اشغال می کنند؛ اما نکته ای حساس و قابل تأمل را می توان در روایت شریعتی از پروبلماتیک دین ایدئولوژیک بیرون کشید. شریعتی دیدگاه مردم عادی تحت ستم را اختیار می کند؛ اما آن سوژه ای که گذار تاریخی و کاربست ایده را باید محقق کند نه عامه مردم بلکه الیت روشنفکر - امام است؛ یعنی در عین حالی که روشنفکر - امام که مأموریت اصلاح انقلابی جامعه به وی محول گشته است باید به روشنفکری مردمی بدل شود؛ اما خود وی به هیچ وجه نباید توده عامه - مردم شود. این مرز و لایه نخبگانی همچنان باید دست نخورده و پاک باقی بماند؛ و همچنین از عامه مردم خواسته نمی شود که به امام - روشنفکر بدل شوند؛ بنابراین نوعی

1. The problematic of ideological religion

دوگانگی تقلیل ناپذیر میان جایگاه دیدگاه سیاسی و جایگاه نیرو و کاربست سیاسی وجود دارد. در واقع میان سوژه دیدگاه سیاسی یعنی توده محروم تاریخ و سوژه کاربست سیاسی امام-روشنفکر نوعی مرز گذاری تعیین بخش وجود دارد. به این ترتیب می توان از یوتوپای بودن اندیشه و متون شریعتی سخن راند. روایت تئوریک شریعتی به چند معنا یوتوپایی است. نخست تا آنجایی که شریعتی باور داشت که در ایران دهه چهل و پنجاه وضعیت غیر قابل تحمل و به این معنا انقلابی است و عموم مردم و اسلام آماده تبدیل شدن به دولتی ایدئولوژیک. در معنای دوم تا آنجا که شریعتی رسالت نیل به دگرگونی عظیم را به نفع مردم را به یک ماده اجتماعی سمبولیک محول می سازد؛ یعنی دوگانگی جایگاه ها و سوژه ها به دگرگونی یوتوپیا و محول ساختن پراتیک دگرگونی عظیم به گروهی سمبولیک-چند لایه ای منجر شده است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده سازی مقاله نقش داشته است. تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد. تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- آرت، هانا (۱۳۶۳). *توتالیتریزم*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر جاویدان.
- آرت، هانا (۱۳۶۸). *ریشه های توتالیتریزم*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر جاویدان.
- آلتوسر، لویی (۱۳۹۹). *ماکیاولی و ما*. ترجمه فؤاد حبیبی و امین کرمی، تهران: نشر اختران، چاپ سوم.
- احمدیان، مجتبی و اسلامی، روح الله (۱۳۹۲). *نگرش سنجی رابطه دولت و ملت در ایران*. فصلنامه سیاست های راهبردی کلان، ۱(۴)، ۱۰۷-۱۳۳.

https://www.jmsp.ir/article_6260.html

- بشیریه، حسین (۱۳۹۴). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: انتشارات گام نو، چاپ نهم.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). *جامعه شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی، چاپ دهم.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲). *انقلاب و بسیج سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶). *تاریخ اندیشه های سیاسی قرن بیستم*. تهران: نشر نی.

- تاجیک، احسان (۱۳۹۴). شریعتی و چپ اندیشی ایدئولوژیک. سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)، ۲(۶)، ۱۰۲-۸۲. <http://ensani.ir/fa/article>
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۸). فربه‌تر از ایدئولوژی. تهران: انتشارات صراط.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱). جهان‌بینی و ایدئولوژی، مجموعه آثار ۲۳. بی‌جا، چاپ سوم.
- شریعتی، علی (۱۳۶۲). اسلام‌شناسی ۲، مجموعه آثار ۱۷. بی‌جا، چاپ رشدیه، چاپ سوم.
- شریعتی، علی (۱۳۶۸). روش شناخت اسلام، مجموعه آثار ۲۸. بی‌جا: نشر آشنا.
- شریعتی، علی (الف) (۱۳۷۴). حج. تهران: نشر الهام، چاپ ششم.
- شریعتی، علی (ب) (۱۳۷۴). بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی. تهران: نشر الهام.
- شریعتی، علی (۱۳۷۵). اسلام‌شناسی (۱). تهران: نشر قلم، چاپ سوم.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۳). روش‌شناسی مطالعات انقلاب، با تأکید بر انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- عباس زاده، سیروس (۱۳۹۶). تأثیر ترمینولوژی شریعتی بر رادیکالیزم شیعی در تاریخ معاصر ایران. فصلنامه تاریخ پژوهی، ۱۹ (۶۹)، ۹۶-۶۱.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1255758>
- علوی تبار، علی‌رضا (۱۳۷۱). دین، ایدئولوژی و تعبیر ایدئولوژیک از دین. مجله فرهنگ توسعه، ۴، ۱۴-۱۰. <http://ensani.ir/fa/article/journal-number/31905>
- عنایت، حمید (۱۳۹۲). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- قریشی، فردین (۱۳۹۰). بازسازی اندیشه دینی در ایران. تهران: نشر قصیده‌سرا، چاپ دوم.
- قهرمانپور، بهرام (۱۳۹۲). ساختار قدرت و توسعه سیاسی در ایران. پایگاه خبری تحلیلی بصیرت، کد خبر ۲۶۵۲۴۳.
- کاسیرر، ارنست (۱۳۹۴). افسانه دولت. ترجمه نجف دریابندری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- کرایب، یان (۱۳۹۱). نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: نشر آگه، چاپ ششم.
- مرادی، فریبا (۱۳۸۸). شریعتی در اسلام سیاسی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.
- نعیمی شیشوان، بهنام (۱۳۹۱). ریشه‌های بنیادین تیران در روح یک ملت. کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی.

•.....
- نیک پی، امیر (۱۳۷۸). ایدئولوژی، دین و انقلاب ایران. پژوهشنامه متین، ۱(۳)، ۳۴۷-۳۶۲.
doi: 20.1001.1.24236462.1378.2.3.15.2

- وثیق، شیدان (۲۰۱۸/۱۳۹۷). عناصر توتالیتر ایدئولوژی در پرتو نگاه بدیع هانا آرنست.
www.Chidan-Vassigh.Com

- Castoniaolis, C. (1986). *Domales de L'homme*. paris: seul.

- Ansart, P. (1974). *Ideologies, Conflit, et Pouroir*. paris: puf.

